
Analyzing the Functional and Physical Systems of the Islamic Historic Bazaars based on the Religious Concepts and Rules

Shoeleh Vahdatpour¹, Fatemeh Mehdizadeh Saradj², Asghar Mohammad Moradi^{*3}

¹Ph.D. Candidate, Department of Restoration, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

² Professor, Department of Restoration, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

³ Professor, Department of Restoration, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

Since the emergence of the Islamic religion, Bazaar has been one of the main formative aspects of the Islamic city layout and a center of its social life; however, the current position of some of these Bazaars in facing the new requirements of different societies, and consequently, the urban development systems, is not fully determined, leading to their inefficiency and deterioration. Nonetheless, the trading rules in Islam have had meaningful relationships with the economic, socio-cultural, service sector, and managerial mechanisms, as well as with the urban characteristics and their relevant spaces in the Islamic Bazaars. While the pivotal role of Bazaars in the Near East has been the focus of many studies, the notion of Bazaars with respect to the Islamic worldview and its impact on this type of urban spaces has been less investigated. Therefore, the present study has aimed to analyze this notion, from the archival and field data, based on a descriptive-analytical strategy. According to studies, although Islamic Bazaars were formed along the ancient traditions of the conquered lands, the specific requirements of Islamic societies were later embodied and found their special nature over time and found a place beyond the place of trade in the cities. The crystallization of this can be identified in a wide range of functional and physical systems of these Bazaars and its effect on the urban structure. For instance, the necessity of learning Islamic jurisprudence (Fiqh), in line with the knowledge and expertise needed for payment and transaction method regulations, promoting production, improving the quality of products, as well as heightened spirituality and ethical conduct to establish healthy relationships among merchants, and finally, activity organization and security were all some of the rules and

principles that have led to semantic authenticity and sustainability of these structures during different eras. Corresponding to these rules and principles, special physical systems have emerged and evolved in the structure of the Bazaars. In other words, in Islamic bazaars, there is a direct interaction between the category of business with the concepts of science and ethics, and these bazaars have a comprehensive management structure in areas such as: establishing laws, managing and monitoring related activities and spaces, or other internal organizations have been bazaar-oriented. The studies show that the mentioned principles have the ability to interact with the main elements of the new guidelines of world heritage management (legal, institutional and resource framework) and can be in order to prevent unprincipled interventions with the approach of only physical protection in Islamic bazaars (regardless of the existential mission), each of its components was used and created a favorable environment for the dynamic protection of tangible and intangible values in this type of property. To preserve the rich concepts and values hidden within Islamic bazaars for future generations, it is necessary to focus on restoring their original activities and spaces, improving the quality of life and social status, and organizing the environment of Islamic cities. By doing so, we can ensure that the heritage of these cities is protected and passed down to current and future generations.

Keywords: Trading rules in Islam, Islamic urban planning, historic urban Bazaars, functional system of Islamic bazaars, physical elements of the bazaar.

* Corresponding author. E-mail: m_moradi@iust.ac.ir



واکاوی نظام‌های عملکردی و کالبدی بازارهای تاریخی اسلامی بر مبنای احکام و مفاهیم دینی

شعله وحدت پور^۱، فاطمه مهدیزاده سراج^۲، اصغر محمد مرادی^{۳*}

^۱ پژوهشگر دکتری، گروه مرمت، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

^۲ استاد گروه مرمت، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

^۳ استاد گروه مرمت، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸)

چکیده

از زمان ظهور دین مبین اسلام، بازارها یکی از ارکان اصلی شکل‌دهنده شالوده‌ی شهرهای اسلامی و مرکز حیات اجتماعی آن بوده‌اند؛ لیکن امروزه جایگاه برخی از این بازارها، در رویارویی با نیازهای نوین جوامع و به تبع آن، نظام‌های توسعه‌ی شهری نامشخص بوده و آن‌ها را به پهنه ناکارآمدی و فرسایش کشانده است. این در حالی است که میان احکام تجارت در اسلام و سازوکارهای اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی، خلماتی، مدیریتی، ویژگی‌های شهری و فضاهای وابسته به آن در بازارهای اسلامی، روابط معناداری وجود دارد. در این رهگذر، اگرچه جایگاه محوری بازار در خاور نزدیک، مورد توجه پژوهشگران در حوزه‌های گوناگون بوده است، لیکن، تاکنون مفهوم بازار بر پایه جهانی اسلامی و تأثیر آن بر این قسم از فضاهای عمومی شهری، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. بر همین اساس، پژوهش حاضر در تلاش است آن را با بهره‌گیری از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی، مورد واکاوی قرار دهد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند بازارهای اسلامی اگرچه در امتداد سنت‌های کهن سرزمین‌های مفتوحه شکل گرفته‌اند، لیکن به‌مرور زمان آنچه نیازمندی‌های جامعه اسلامی بود به آن‌ها افزوده گردید و ماهیتی ویژه یافتند. تبلور این امر، در طیف وسیعی از نظام‌های عملکردی و کالبدی بازارها و تأثیر آن بر ساختار شهری قابل شناسایی است؛ به قسمی که در بازارهای اسلامی پابندی به اصولی همچون الزام به فراگیری فقه در جهت کسب دانش و تخصص در پرداخت و تنظیم شیوه معاملات، رونق تولید و بهبود کیفیت کالا، تقویت معنویت، اخلاق‌مداری، ایجاد ارتباط سالم بین بازاریان و تأمین امنیت و ساماندهی فعالیت‌ها موجب اصالت معنایی و پایداری آن‌ها در ادوار گوناگون شده است و متناظر با هر یک از این احکام، نظام کالبدی و ویژه‌ای در ساختار پدید آمده و تکامل یافته است. اصول یاد شده از توان تعامل با عناصر اصلی دستورالعمل‌های نوین مدیریت میراث جهانی (چهارچوب حقوقی، نهادی و منابع) برخوردار هستند و می‌توان از آن‌ها در روند «حفاظت کالبدی» با توجه به رسالت وجودی و نقش هر کلام از اجزای بازارهای تاریخی اسلامی بهره گرفت و زمینه حفاظت پویا از این قسم از دارایی‌های میراثی شهرهای اسلامی و ترمیم فعالیت‌ها و فضاهای اصیل آن‌ها را فراهم نمود و مفاهیم و ارزش‌های غنی مستتر آن‌ها را به نسل کنونی و آینده انتقال داد.

واژگان کلیدی

احکام تجارت در اسلام، شهرسازی اسلامی، بازارهای تاریخی شهری، نظام عملکردی بازارهای اسلامی، عناصر کالبدی بازار.

* نویسنده مسئول مکاتبات: m_moradi@iust.ac.ir

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول، با موضوع «خواستش مفهوم زندگی در بازار تاریخی شهر اصفهان در راستای نیل به راهبردهای حفاظت پویا از آن (نمونه پژوهشی: محور بازارهای قیصریه و چیت‌سازها)» است که در گروه مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی در دانشگاه علم و صنعت، به راهنمایی نویسنده گان دوم و سوم در حل انجام است.

یا سیاسی آن و امنیت شهرها تأثیر می‌پذیرد (Gharipour 2017؛ Mohammadzadeh & Rezaei 2022). امروزه اگرچه در پی رشد روزافزون جمعیت و به تبع آن دگرگونی در شیوه زندگی و نظام‌های گوناگون اقتصادی، آموزشی، درمانی، ارتباطی، خدماتی حاصل از عصر صنعتی شدن و مدرنیزاسیون، بسیاری از این بازارها و حریم بلافصل آن‌ها (محلات) در گستره شهرهای اسلامی، همچنان به عملکرد خود در نسل‌های مختلف ادامه داده‌اند، لیکن غالباً سهم آن‌ها در توسعه اقتصادی و عمدتاً اجتماعی شهرهای کهن کاهش قابل توجهی را تجربه نموده است و فقدان شناخت مفاهیم اعتقادی و استمرار تجربیات ارزشمند مستتر در جوهر معماری و شهرسازی آنها سبب شده است تا نظام‌های نوین مدیریت شهری و طرح‌های توسعه وابسته به آن، در برخورد با این قسم از بافت تاریخی شهرهای کهن عمدتاً ناکارا و در فرآیند مداخلات، با رویکرد کالبدی و فیزیکی صرف و اقدامات موردی، بدون توجه به زمینه تاریخی این بازارها عمل نمایند. در نتیجه جایگاه بسیاری از بازارهای تاریخی اسلامی، به عنوان پدیده ای با ثبات در استخوان‌بندی شهرهای تاریخی و بخشی از دارایی‌های میراثی آنها، مغفول مانده و حیات آن‌ها دچار نقصان و مرگ تدریجی گردیده است (Moradi et al. 2007). این در حالی است که براساس منشورها و معاهده های نوین مجامع میراث جهانی، حفاظت از شهر و هر آبادی تاریخی باید، بخشی ناگسستنی از سیاست‌های منسجم توسعه اقتصادی و اجتماعی و نیز برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در همه سطوح باشد. همچنین دولت‌ها در گستره‌های مختلف میراث خود همانند بافت تاریخی شهرها متعهد به شناخت و جوه گوناگون آثار خود (میراث ملموس و ناملموس) و فراهم‌سازی امکانات لازم برای ادامه حیات فرهنگی آن‌ها در فراسوی سیاست‌های کلان مدیریت کشور و طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های مدیریتی آن هستند؛ تا افزون بر فراهم شدن تسهیلات لازم برای انجام

در طول قرن‌ها انسان‌ها در سراسر جهان در بازارها گرد هم می‌آمدند تا تجارت کنند و کالاها و محصولات گوناگون را در مراکز تجاری و جمعیتی خود بخرند و بفروشند. این بازارها اغلب به صورت بخش جدایی‌ناپذیری از جامعه عمل می‌نمودند. به عبارت دیگر، «بازار» عبارت است از منطقه‌ای معین، در دست مجموع افرادی خاص که به تناسب حرفه خویش و عرضه و تقاضایی که در جامعه وجود دارد، به تنهایی یا گروهی دادوستد می‌کنند (Harris 2006). از سوی دیگر از منظر اقتصادی اصطلاح «بازار» به مکان‌هایی اطلاق می‌گردد که در آنجا، عرضه و تقاضا به شکل مستقیم یا غیرمستقیم با یکدیگر برخورد نموده و به تعادل ختم می‌شوند (Nejad Ebrahimi et al. 2013)؛ در جهان اسلام بازارها به عنوان مجموعه‌های چندمنظوره، در طی قرون متمادی نقشی اساسی در تحولات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شهرها ایفا نموده‌اند؛ و به رغم ریشه در سنت‌های سرزمین‌های مفتوحه، سازوکارهای منحصر بفردی را در جهت حل مسئله تجارت حلال از منظر اسلام و تبلور احکام دینی در مشی حیات جامعه پدید آورده‌اند و در هر دوره تاریخی، بسته به ویژگی‌های فرهنگی و توان محیطی هر سرزمین توانسته‌اند متناسب با نیازهای گروه‌های مختلف ذینفعان خود، به تنظیم نظام عملکردی و طیف گوناگون فعالیت‌های مورد نیاز جامعه بپردازند و به فراخور آن، نظام کالبدی ویژه‌ای را در قلب شهرهای کهن به وجود آورند و جایگاه خود را به عنوان یکی از ارکان اصلی شکل شهر و اغلب عامل سازمان‌دهنده عناصر و فضاهای عمومی شهری تثبیت نمایند. تأثیر متقابل همکاری میان این بازارها و شهر را می‌توان در الگوهای متفاوت رشد بازارها، چه به صورت از پیش طراحی شده و چه به شکل اندام‌وار و طبیعی جستجو نمود. بازارها همچنین رشد و توسعه شهری را تقویت یا محدود نموده و مقیاس عملکردی آن در سطوح گوناگون همچون مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای، ملی و فراملی به شکل مستقیم از افول یا افزایش نقش اقتصادی

وظایف دولت، شرایط حضور مؤثر آن در متن حیات فرهنگی، اجتماعی جامعه تأمین شده و بقاء عین و ادامه حیات ارزش‌های آن در درون جامعه و در نتیجه انتقال آن به نسل‌های آینده امکان‌پذیر گردد (Khatabakhsh 2017; Thomas & Middleton 2003; Filden & Jokilehto 2014). در این گذار «حفاظت پویا»^۱ از بازارهای تاریخی اسلامی و حریم بلافصل آن (محلات)، نیازمند آن است تا از یک سو احکام اسلامی و پیامدهای عملکردی آن در گستره بازارها مورد توجه قرار گیرد و از سوی دیگر نظام کالبدی و نمود فیزیکی این احکام در تعامل با منافع کلیه ذینفعان آن تعیین و تدقیق گردد و از این راه در مسیر ایجاد فرصتی مناسب در راستای ترمیم عملکردها و نظام‌های کهن مدیریتی بازارهای اسلامی و به‌هنگام‌سازی آن در تعامل با نیازهای نوین شهری و همچنین حفظ اصالت ساختار کالبدی آن و انتقال مفاهیم و ارزش‌های نهفته در آن به آینده گام برداشت. بر همین اساس، پژوهش حاضر در تلاش است با پاسخ به پرسش‌های ذیل بخشی از مفاهیم مستتر در نظام‌های عملکردی و کالبدی بازارهای تاریخی اسلامی را مورد واکاوی قرار دهد.

۱. نگرش دین اسلام به امر تجارت چه تأثیری بر نظام عملکردی بازارها در شهرهای اسلامی داشته است؟
 ۲. مفاهیم و احکام تجارت در اسلام و نظام عملکردی مأخوذ از آنچه تأثیری بر نظام کالبدی بازارهای تاریخی در شهرهای اسلامی داشته است؟

۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشگران بسیاری به بررسی شهرها و نظام ساختاری جوامع شهری در گذار تاریخ پرداخته‌اند و عوامل مؤثر بر آن را مورد واکاوی قرار داده‌اند. براساس این پژوهش‌ها شهرها به‌عنوان مجموعه‌ای از عوامل طبیعی اجتماعی و محیط‌های ساخته شده استادانه‌ترین آفرینش انسان‌ها از آغاز جامعه بشری به‌شمار می‌روند. در طول ده هزار سال، شهرها مکان‌هایی برای نمایش قدرت، فرهنگ، فناوری و صحنه نبرد و کشمکش‌ها بوده‌اند (Banderian & Oers 2019). تفاوت عادت، رسوم و

شئون زندگی اقوام و ملل در شهرها، ریشه در شیوه معیشت آن جامعه دارد و لذا نفس پیدایش زندگی جمعی به هر شکل آن را می‌توان در جهت پاسخگویی به همین نیاز معیشتی جوامع، جستجو نمود (Ibn Khaldun 1989; Razavi 2009). در همین شرایط، اوضاع اقتصادی و معیشتی مردم با نوع نگرش مذهبی و ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه ارتباط مستقیم دارد؛ به‌گونه‌ای که در هنگام حصول آرامش و امنیت اجتماعی و اقتصادی و به‌تبع آن افزایش سرمایه و ارتباطات، تجارت در جامعه در مسیر توسعه قرار می‌گیرد؛ لیکن در تقابل با آن، در جریان ناآرامی‌ها و افول امنیت در جامعه ناشی از عوامل متعددی همچون جابجایی قدرت و حکومت‌ها، بروز اختلافات داخلی و تعصب‌های مذهبی و غیره، قیمت‌ها فزونی می‌یابد و به‌تبع آن توان اقتصادی و قدرت خرید مردم کم می‌گردد (Guichard 1997; Bastani Parizi 1978; Kajbaf 2015). گروهی از پژوهشگران نیز به‌شکل ویژه به بررسی احکام و حقوق تجارت در اسلام و نظام‌های وابسته به آن پرداخته‌اند و آن را در گستره‌هایی همچون اهمیت و آداب دادوستد، نظام‌های مالکیت، ممنوعیات فعالیت‌های اقتصادی، راه‌حل‌های رفع مشکلات اقتصادی و بهبود آن و غیره مورد واکاوی قرار داده‌اند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند تجارت در اسلام در تعامل مستقیم با مفاهیم علم و اخلاق قرار دارد و همین نگرش از یک سو، ساختار مدیریتی جامعه را در گستره‌های اداره، نظارت و کنترل فعالیت‌ها و فضاهای وابسته به آن (حسب) و دیگر تشکیلات درونی (اصناف) بازارهای اسلامی پدید آورده و توسعه داده است و به‌تبع آن، ساختار کالبدی ویژه‌ای در گستره شهرهای اسلامی به منصف ظهور رسیده است (Gholipour 2006; Zeyani 2015; Rajaei 2010; Keyvani 2013). در واقع، بازارهای اسلامی مرکز ثقل اقتصادی و کانون نظام بهره‌بری سرمایه بوده‌اند که به‌واسطه خرید و فروش و تولید و پیشه‌وری گسترده، به‌صورت مرکز رهبری امور اقتصادی و مالی شهر درآمده و جایگاه محوری در سیاست و دین یافتند. با این نگرش، بازار نهادی معادل محله مرکزی معاملات شهرهای بزرگ امروزی قلمداد می‌شود؛ که به‌عنوان، بخشی جدایی‌ناپذیر از

بازارهای تاریخی اسلامی برمبنای احکام و مفاهیم دینی، از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است؛ همچنین برمبنای سرشت موضوع از الگوی میان‌رشته‌ای در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل چگونگی روابط متون با یکدیگر بهره گرفته شده است و اطلاعات موردنیاز به دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری گردیده‌اند. اسناد کتابخانه‌ای در این پژوهش، از یکسو شامل منابع دینی و فقه اسلامی (قرآن کریم، احادیث و غیره) بوده است و از سوی دیگر، اسناد تاریخی را در دو گستره اسناد توصیفی (کتاب‌ها، سفرنامه‌ها و وقف‌نامه‌ها) و اسناد تصویری (نقشه‌ها، نقاشی‌ها و عکس‌های تاریخی) دربرمی‌گیرند. کلیات و جزئیات موجود در آن‌ها پس از مقایسه اسناد با یکدیگر، قابلیت اطمینان بیشتر پیدا می‌نمایند و مورد تحلیل قرار می‌گیرند. پژوهش در پاره‌ای از موارد با محدودیت‌هایی همچون عدم همکاری برخی از سازمان‌ها و ارگان‌ها در جهت دسترسی به منابع کتابخانه‌ای و اطلاعات و همچنین دگرگونی کالبدی و عملکردی بازارها و بافت پیرامونی آن (محلات) و نظام مدیریتی حاکم بر آن در دوران معاصر برخوردار بوده است؛ که به‌منظور برطرف‌سازی آن از مطالعات میدانی (مشاهده، عکسبرداری و مصاحبه با معمرین) بهره گرفته شده است. مطالعات حاضر اهداف کاربردی در پیش رو دارد و نتایج آن از طریق بازشناخت مبانی فکری، عقیدتی بازارهای اسلامی و ارزش‌های مستتر در آن‌ها در مسیر حفاظت پویا از این قسم از دارایی‌های میراثی در مقیاس‌های گوناگون (منطقه‌ای، ملی و جهانی)، مورد استفاده معماران، مرمتگران، شهرسازان و مدیران شهری قرار خواهد گرفت.

۳. مفهوم تجارت در اسلام و تبلور آن در بازارهای اسلامی

«تجارت» از نظر لغت، به معنای نقل اشیاء از محلی به محلی دیگر است و در اصطلاح به دادوستد و مبادلاتی اطلاق می‌گردد که طی قراردادی انجام می‌پذیرد و هدف از آن فراهم ساختن وسایل رفاه عمومی در جامعه بشری است. در فقه اسلامی، مشروعیت روابط اقتصادی در میان افراد، وابسته به صداقت و راستی مبادلات و حفظ عدالت و رضایت طرفین

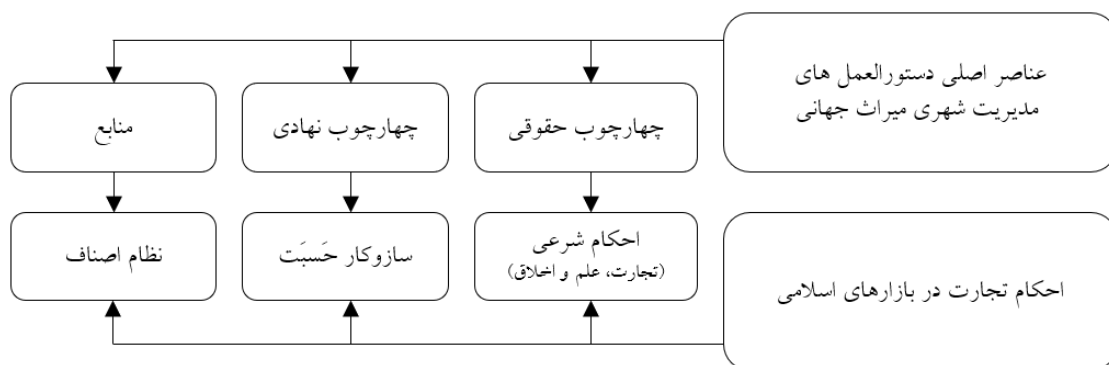
شهرهای اسلامی اگرچه از سنت‌های کهن سرزمین‌های مفتوحه (به‌ویژه تمدن بیزانس و ساسانی) تأثیر پذیرفته است، لیکن به‌مرور آنچه نیازمندی‌های جامعه اسلامی در این زمینه بود به آن‌ها افزوده شد و در نتیجه مفهومی ویژه، تحت عنوان «بازار اسلامی»، پدید آمد که در تعامل با نیازهای جامعه، معنای گسترده‌تری نسبت به تجارت پیدا نمود (Al Sheikhly 1983؛ Nejad Ebrahimi et al. 2013). ساختار بازارهای اسلامی، در کامل‌ترین شکل خود عبارت‌اند از: عملکردهای نگهداری و انبار، تولیدی، تجاری، مذهبی، فرهنگی، خدماتی، اجتماعی و ارتباطی که هر یک از عناصر مختلفی با ویژگی‌های فضایی مختص به خود تشکیل یافته‌اند. اگرچه اجزاء تشکیل دهنده این بازارها تقریباً مشابه یکدیگرند ولی در برخی از موارد با توجه به‌گونه فعالیت و توانمندی‌های محیطی (اقلیم، اقتصاد و مقیاس عملکرد، شیوه معیشت بومی، امنیت و غیره) هر شهر و بازار، گروهی از عناصر کالبدی به شکل دیگر پدیدار می‌گردند و یا آن‌که جای خود را به کالبدی دیگر سپرده و یا حتی چند عملکرد را در یکجا برعهده می‌گیرند (Abbasi 2018؛ Vahdatpour et al. 2019). از سوی دیگر برخی از پژوهش‌ها به شکل ویژه به بازشناخت ارزش‌های حفاظت معنایی از بازارهای اسلامی همچون بازار تاریخی تبریز در زمان حاضر پرداخته‌اند و ارزش‌های نهفته در آن را به سه گستره: الف. عینی، کالبدی و عملکردی، ب. ذهنی و روانی، پ. اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تقسیم‌بندی نموده‌اند (Abizadeh 2019). بررسی‌ها نشان می‌دهند تاکنون خوانش احکام و مفاهیم دینی مستتر در نظام شهرسازی اسلامی کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است و یا به شکل یک دسته‌بندی کلی ارائه گردیده است؛ لذا این نوشتار تلاش دارد آن را در گستره بازارهای اسلامی در جهت شناخت اصول نهفته در نظام‌های گوناگون عملکردی این بازارها و تجسم کالبدی آن، مورد واکاوی قرار دهد.

۲. روش پژوهش

در این پژوهش، با هدف واکاوی نظام‌های عملکردی و کالبدی

تاریخی شهری من‌الجمله بازارهای اسلامی را دگرگون ساخته است و تأثیر عمیقی بر ارزش‌های نسبت داده شده به آن‌ها توسط جامعه محلی و یا دیگر استفاده‌کنندگان این بافت‌ها داشته است (UNESCO 2011). این بازارها، به‌عنوان گونه‌ای منحصر‌فرد از میراث شهری، متشکل از اجزای ملموس و ناملموس، منبعی حیاتی در افزایش زیست‌پذیری مناطق شهرهای اسلامی هستند که از توان بهبود یا تضعیف توسعه اقتصادی و انسجام اجتماعی را در یک محیط گسترده در حال تغییر برخوردارند و آینده آن‌ها به شکل مستقیم از شناخت ارزش‌های عملکردی و کالبدی مستتر در آن‌ها و برنامه‌ریزی در جهت توسعه پایدار از طریق حفظ تعادل میان طرح‌های توسعه شهری و اصول حفاظتی از بافت تاریخی بازارها تأثیر می‌پذیرد. در همین شرایط، احکام و مفاهیم دینی مستتر در بازارهای اسلامی از توان برقراری تعامل با دستورالعمل‌های نوین مدیریت میراث جهانی و عناصر سه‌گانه سیستم مدیریتی آن (چهارچوب حقوقی، چهارچوب نهادی و منابع) برخوردارند^۲ (UNESCO 2013)؛ (شکل ۱). به قسمی که چهارچوب حقوقی در بازارها به شکل احکام شرعی (گونه تجارت، علم و آداب اخلاقی) در بازارها انعکاس می‌یابد و به‌تبع آن، چهارچوب نهادی بازارها دربرگیرنده سازوکارهای مدیریتی و نظارت درون بازار (حسبت و نظام وابسته به آن) است و درنهایت عنصر منابع دربرگیرنده سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی بازار (اصناف) خواهند بود. بر همین اساس در ادامه به بررسی و تحلیل شماری از احکام تجارت در اسلام و بازنمود آن در ساختار کالبدی بازارهای اسلامی پرداخته شده است.

است؛ و می‌بایست در هر مبادله مصلحت فردی و اجتماعی تأمین شده و از هرج و مرج و اختلاف جلوگیری گردد. لذا در اسلام احکام و قوانین گوناگونی را در باب کسب و تجارت، معاملات و تعهدات مقرر گردیده است که فراگیری آن برای تجار، لازم و واجب است (Sanatkaar 2001). به‌طورکلی ویژگی‌های بنیادین تجارت اسلامی عبارت‌اند از الف. شفافیت، ب. تطابق با شرع، پ. حاکمیت اخلاق اسلامی، ت. هدایت و نظارت دولت؛ که می‌توان آن را به شکل ارکان سه‌گانه تجارت، علم و اخلاق تعبیر نمود (Rajaei 2010; Zeyani 2015). در این گذار، بازار یکی از ارکان مهم اقتصاد جامعه اسلامی است و از مشخصه‌های مهم کالبد شهر به‌شمار می‌رود که بر اصل تبادل کالا و رفع احتیاجات مردم به‌وجود آمده است. درواقع با ظهور دین اسلام و به‌تبع آن ایجاد و تسلط دولت اسلامی در کشورهای گوناگون بهره‌مند از قواعد تجاری بسیار گسترده، لزوم هماهنگی قوانین و مقررات مدنی از احکام شرعی و به‌تبع آن، اقتصاد حلال یکی از مطالبات اصلی قشرهای مختلف جامعه به‌ویژه بازرگانان و تجار در بازارها گردید و در مسیر حصول آن، خواسته‌ها و نیازهای تجار و دیگر ذینفعان در بازار اسلامی براساس قوانین شرعی متنوع گردید (Nejad Ebrahimi et al. 2013). بر همین اساس، بازار در کشورهای اسلامی افزون بر مرکزیت عملکرد اقتصادی شهر، به‌کانون تمرکز فعالیت‌ها و فضاهای عمومی شهر بدل می‌گردد (Gholipour 2006). این در حالی است که امروزه مقوله شهرنشینی در مقیاس بی‌سابقه‌ای در سرتاسر جهان پیش می‌رود و این رشد شهری، به‌فراخور نگرش‌ها و فرآیندهای جهانی ماهیت بسیاری از بافت‌های



شکل ۱: ارتباط عناصر سه‌گانه سیستم مدیریتی میراث جهانی با احکام تجارت در بازارهای اسلامی و نظام‌های وابسته به آن (UNESCO, 2013)
 Fig 1: The relationship between the three elements of the world heritage management system with the rules of trade in Islamic bazaars and related systems (UNESCO, 2013)

۱-۳. کاسب «حبیب‌الله» است

به موجب این اصل، تجارت در سرزمین‌های اسلامی ویژه طبقه‌ای خاص از اجتماع نیست و عموم مردم قادر به انجام آن هستند. همچنین دین و جنسیت شرط ورود به بازار نبوده است و بازرگانان و پیشه‌وران زن و یا غیرمسلمان نیز از مکان‌های مشخصی نظیر حجره‌ها، کاروانسرا و یا حتی بازاری ویژه خود برخوردار بوده‌اند (Al Sheikhly 1983). برپایه این نگرش، بازارها به‌عنوان تجلی مادی نگرش اسلام به اصل تجارت در مراکز شهرهای اسلامی و غالباً در مجاور مسجد جامع (قلب اصلی شهر) شکل گرفته‌اند و به‌مرور تا دروازه‌های شهر توسعه می‌یابند و حتی در تداوم تاریخی خود به‌عنوان شریان اتصال‌دهنده دروازه‌های گوناگون شهر عمل می‌نماید (Habibi 2020). در این گذار، علاقه مستمر مؤمنان به حضور در مسجد از چشم بازرگانان پنهان نماند؛ به قسمی که برای مسیرها (راسته‌های) منتهی به مساجد اعتبار خاصی قائل بوده و همواره سعی می‌نمودند از منظر دینی و اقتصادی به این مسیرها نگاه ویژه‌ای داشته باشند و با قرارگیری حجره‌های خود در این راسته‌ها و یا مشارکت و ساخت مراکز عمومی و عام‌المنفعه در این مسیرها، بر اعتبار و رونق تجارت خود بیفزایند. در نتیجه مسجد جامع، نه تنها یک مکان مذهبی برای عبادت است بلکه عامل اصلی توسعه کارکردهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شهر در تعامل با بازار بوده است (Soltanzadeh 2013). از سوی دیگر پذیرش و تأکید بر

تجارت در دین اسلام سبب گردید تا بازارها ضمن حضور در عرصه اصلی شهر در تعامل با مراکز دولتی (دارالحکومه یا دارالسلطنه) شهر قرار گیرند و به‌واسطه امنیت و تراکم جمعیتی پیرامون این مراکز، بر رونق و اعتبار آن‌ها افزوده شود. در گستره کالبدی، مفصل اتصال‌دهنده بازار به مراکز دولتی غالباً میدان اصلی شهر در هر دوره تاریخی بوده است و همچنین قیصریه بازارها، به‌عنوان بخشی شاخص از بازار، در تعامل با این میدان‌ها قرار می‌گرفتند. بررسی ساختار بسیاری از شهرهای اسلامی همچون دمشق، تهران و اصفهان نشان می‌دهد در این شهرها افزون بر مسجد جامع، مراکز دولتی و میدان‌ها، دیگر عملکردهای اصلی شهری نیز همانند مساجد، مدارس، حمام‌ها، بیمارستان‌ها و غیره، در تعامل با بازار شهری قرار داشته‌اند. همچنین نظام‌های فضایی فرعی شهر از قبیل کوچه‌های رو به محلات مسکونی از مسیر اصلی بازار منشعب می‌شدند. در حقیقت، بازار شهر به‌منزله استخوان‌بندی اصلی شهر، عنصر وحدت بخش میان فضاها عمومی و محلات مختلف شهری بوده است (شکل ۲ الف، ب)؛ در برخی از شهرها نیز همانند اصفهان، بازار نقشی بنیادین در پیوند بخش کهن شهری (ساختار شهر در دوره آل‌بویه و سلجوقی) با دیگر ساختارهای توسعه شهری آن در ادوار تاریخی بعدی (دوره صفوی) داشته است (شکل ۲ پ).



شکل ۲: نمونه ساختار شهرهای اسلامی الف: نقشه بازسازی شده شهر دمشق؛ ب: نقشه شهر تهران در دوره قاجار؛ پ: بازآفرینی نقشه شهر اصفهان در دوره صفوی (Vahdatpour & Valibeig 2023, Dabbour 2021)

Fig 2: Example of the structure of Islamic cities A. Reconstructed map of Damascus city; B: Map of the city of Tehran in the Qajar period; Recreating the map of Isfahan city in the Safavid period (Dabbour 2021, Vahdatpour & Valibeig 2023)

۲-۳. فراگیری فقه مقدم بر تجارت

بر اساس این حکم، تجار و تمامی افرادی که می‌خواهند در بازار تجارت نمایند، به‌منظور آن‌که از کارهای واجب و مستحب غافل نشده و در بخش‌های ممنوع تجارت قدم نگذارند، نخست می‌بایست اصول فقهی مرتبط با امر تجارت اسلامی را در گستره‌هایی همچون تجارت‌های مجاز، اصول مرتبط با قراردادهای بازرگانی و خیارهای معامله و غیره را فراگرفته و سپس به تجارت بپردازند^۳ (Iravani 2009; Ameli 1990). بر همین اساس بازرگانان در جهت تضمین آینده تجارت خویش، مجبور به تبعیت از زمینه قوانین شرعی شدند و همچنین علمای دین برای کسب حیات و بقای تحصیلی بر بازار به‌عنوان مراکز اقتصادی و اداره مدارس دینی تکیه نمودند و به‌دنبال آن ساخت مراکز مذهبی و آموزشی (حوزه‌های علمیه و مدارس) با کمک و حمایت افراد ثروتمند و بازرگانان در بازارها به انجام رسید و تعاملی بسیار نزدیک میان بازرگانان و علمای دین به وجود آمد؛ به قسمی که بازرگانان اغلب در مدارس و مراکز دینی بازار به تحصیل می‌پرداختند و از توان وارد شدن به مسائل دینی در گستره تجارت برخوردار می‌گردیدند. شایسته توجه است نظام بازرگانی همواره از رابطه‌ای قدرتمند با نظام سیاسی در طول تاریخ برخوردار بوده است و تعامل این دو گروه در طول تاریخ به‌شکل حمایت از دولت‌ها و یا مخالفت با آن در گستره‌هایی همچون نادیده گرفتن ارزش‌های دینی و غیره، در گستره کشورهای اسلامی رخ می‌نماید (Nejad Ebrahimi et al. 2013). در ادامه برخی از اصول فقهی مرتبط با امر تجارت اسلامی در بازار، به‌اختصار موردبررسی قرار گرفته‌اند و افزون بر حوزه‌های علمیه و مدارس، دیگر نموده‌های کالبدی احکام اسلامی در بازار معرفی شده‌اند.

۱-۲-۳. تجارت‌های مجاز در بازارهای اسلامی و آشنایی با اصول معامله: تجارت در اسلام مانند سایر اعمال بر پنج قسم است که عبارت‌اند از واجب، مستحب، مکروه، مباح و حرام. بازارهای اسلامی تنها جایگاه مشاغل

واجب و مستحب، یا به‌عبارتی، مشاغل مفید برای جامعه هستند و مشاغل حرام همانند فروش لوازم قمار و آلات موسیقی در داخل بازارهای اسلامی جایگاهی نخواهند داشت (Zeyani 2015). در این میان، برخی مشاغل همانند صرافی‌ها و قصابی‌ها مکروه هستند که این مشاغل یا در بازارها شکل نمی‌گرفتند و یا به‌ندرت در بخش‌های فرعی‌تر آن به انجام می‌رسیدند^۴ (Ghaderi 2021). از سوی دیگر تجار موظف‌اند نسبت به انواع قراردادهای شروط آن بر مبنای شریعت اسلامی در گستره‌هایی همچون مالیت، معلوم و معین بودن، قابلیت دسترسی و تحویل، عدم ممنوعیت نقل و انتقال، خیارفسخ و یا دیگر شرایط اختصاصی آگاهی داشته باشند (Sanatkaar 2001; Toghiani & Moradi-basiri 2016).

۲-۲-۳. تنظیم شیوه معاملات: در اسلام مشروعیت و مالکیت سود بازرگانی، مستند به کار تولیدی یا خدماتی است. لذا مبادله کالا به کالا (صرفاً فروش کالا) حرام است و تجاری که در بازارها فعالیت می‌نمایند بایستی یک ارزش‌افزوده به کالای خود اضافه نمایند. بر پایه این اصل کارگاه‌های تولیدی و صنعتی در بازارها شکل گرفته‌اند. این در حالی است که تجار از دیگر شهرها یا کشورها می‌توانستند در فضاها و همچون حجره‌های طبقه بالای تیمچه‌ها و برخی سراها اسکان گزینند و در فضای میانسرا و حجره‌های پیرامونی آن‌ها نیز نمونه‌های مستوره کالا را برای نشان دادن به سایر تجار، مذاکره و خرید و فروش با ایشان قرار دهند (Rafiei Serehki et al. 2002; Ghaderi 2021).

۳-۳. ذکر خدا و تأکید بر نماز اول وقت

بر اساس احکام اسلامی مستحب است تجار هنگام ورود به بازار و فعالیت در آن خدا را یاد نموده و دعا نمایند تا از هر شر و ظلمی مصون مانده و مورد آمرزش قرار گیرند (Sanatkaar 2001). بر مبنای این اعتقاد مساجد به‌عنوان یکی از اندام‌های اصلی در کالبد بازارها بنا می‌گردند و همچنین تزئینات گوناگونی به شکل کتیبه، نقاشی، صنایع دستی و غیره با مضامین دینی در بازارها تبلور می‌یابند.

بین می‌برد و موجب کاهش تولید می‌شود (Shafaghi 2006; Koshk-abad 2016; Gharipour 2017).

۴-۳. تجارت در بازه زمانی معین

از آداب تجارت در اسلام در جهت ایجاد ارتباط سالم بین بازاریان آن است که تاجر نباید در ورود به بازار برای شروع تجارت نسبت به دیگران سبقت و پیشی گیرد و می‌بایست تلاش کند پس از تأمین مخارج روزانه خود زودتر از سایر تجار به کسب خود خاتمه دهد و بازار را ترک نمایند. همچنین مستحب است کسی در فاصله میان طلوع فجر و طلوع آفتاب به تجارت نپردازد (Sanatkaar 2001). در این گذار، مساجد به واسطه اعلام اذان و همچنین در برخی از کشورهای اسلامی، نقاره‌خانه‌ها (کاسه‌گاه‌ها)، بانواختن کوس، طبل، دهل، سرنا و کرنا، به اعلام زمان طلوع و غروب خورشید می‌پرداختند (Rafiei Sereshki et al. 2002) (شکل ۳). از سوی دیگر این نگرش با کنترل زمان فعالیت‌ها و نظام رفت و آمد در بازار در جهت بهبود امنیت آن توسط مأموران حکومتی (شب‌گردها) و امکان بهره‌پذیری از در ویژه هر یک از راسته‌ها (اصلی و فرعی) و ابنیه وابسته به بازار، متمرکز شده است.



شکل ۳: سردر قیصریه و نقاره‌خانه بازار تاریخی اصفهان (قدمت صفوی؛ عکس مربوط به اواخر دوره قاجار)

Fig 3: Qeyseriyeh (Isfahan bazaar entrance) and Nagareh-khaneh of the historical Bazaar of Isfahan (Safavi period; photo from the late Qajar period)

۴-۶. رعایت عدل و انصاف در تجارت

در اسلام، تاجر می‌بایست میان خریداران با عدل و انصاف رفتار نماید و نباید میان کسی که چانه می‌زند و یا میان شخص شریف و حقیر تفاوت قائل شوند؛ مگر به سبب دانش و تدین

۴-۳. تأکید بر شرکت در بریات و منع ربا

بر اساس موازین اعتقادی در اسلام، تاجران همه «فاجر» به معنای «گناهکار» هستند و جایگاه فاجر در آتش (جهنم) است؛ مگر آنکه، از خدا پروا کند، راست بگوید و در بریات (حسنات، عام‌المفعه، کارهای نیکوکارانه) شرکت نموده و از اموالشان به دیگران ببخشند، حق بگیرد و حق نپردازد. برپایه این اصل، در جهت توزیع ثروت وارد شده به شهر و تمرکز یافته در درون بازارها، از سازوکار «وقف» بهره گرفته شده است. سنت و وقف کم و بیش در همه ادیان و فرهنگ‌ها وجود داشته است و ریشه در سرشت انسان به سوی تعاون و اهداف خیرخواهانه دارد. در مسیر توسعه بازارهای اسلامی نیز بسیاری از بناهای وابسته به بازار به شکل موقوفات، با اهداف مذهبی و ایجاد سازوکاری در جهت تأمین بودجه نگهداری آن بنا و یا دیگر بناهای پراهمیت در بازار نظیر، آب‌انبارها، سقاخانه‌ها، حمام‌ها، مدارس، حوزه‌های علمیه، بیمارستان‌ها و یا موسسه‌های خیریه بنا گردیده‌اند. هر چند این نوع نگرش گاهی جنبه سیاسی نیز می‌یافت و اعتبار اجتماعی و سیاسی بانیان آن را به دنبال داشته است. همچنین در برخی از بناهای موجود در بازار نیز بنای موقوفه به شکل ماهرانه‌ای به بناهای مذهبی متصل می‌گردد و مجتمع وقفی بزرگی را پدید می‌آورد که برای ملنت‌های طولانی از گزند تخریب و موقوفه‌خواران در امان بوده و درآمد آن‌ها صرفاً به نگهداری موقوفات تخصیص می‌یابد. اسناد موقوفات (وقف‌نامه‌ها) نیز هر چند سال یکبار در جمعی از مؤمنین خوانده می‌شد تا در خاطر مردم بماند که موقوفه چیست و متولی آنچه کسی است. برپایه اصل موقوفه بودن است که بسیاری از این فضاهای کهن تا به امروز زنده و فعال باقی مانده‌اند. از سوی دیگر به منظور توزیع عادلانه ثروت و کمک به اشخاصی که هیچ‌گونه قدرت کار در جامعه ندارند، خدایوند «زکات» را واجب دانسته است؛ که یکی از فواید آن توزیع عادلانه ثروت در جوامع اسلامی خواهد بود^۶ و بالعکس در اسلام، «ربا» و «احتکار» که موجبات استثمار طبقه‌ای از طبقه دیگر را فراهم می‌سازد، منع گردیده است. یکی دیگر از علت‌های تحریم ربا در اسلام اقبال مردم به تجارت و بازرگانی است^۷ زیرا رواج فرهنگ رباخواری، انگیزه‌های بازرگانی را از

۳-۷. تجارت موقت

در اسلام، اگر کسی برای فروختن کالای خود در بازار، مکانی را که از لحاظ قانون بی‌اشکال است در نظر بگیرد و در آنجا معامله کند، حق او نسبت به آن مکان تا شب بیشتر نیست و بعد از رفتن او، اگر در روز یا روزهای بعد فرد دیگری از آنجا استفاده نماید نمی‌تواند نسبت به آن مکان، ادعای مالکیت داشته باشد. همچنین حق در چنین مکانی همانند حق در مسجد است و کسی نمی‌تواند از ایشان کرایه بگیرد^۶ (Sanatkaar 2001). براساس این اصل، دستفروشان و فروشندگان کالا در بازار حق دائمی بر مکان در بازار نخواهند داشت و همچنین نیاز به پرداخت کرایه مکان توسط ایشان نیست. شایان ذکر است، بسیاری از میداین مرتبط به بازارهای شهری، به‌عنوان مکان گردهمایی دستفروشان مورد استفاده قرار می‌گرفته است (شکل ۵) و (شکل ۶).

خریدار. از سوی دیگر، کلیه فعالیت‌ها در بازار بایستی مجهز به ابزار سنجش میزان کالا نظیر ترازو، قیان و سایر ملزومات بوده و عملکرد تجار در بهره‌بری از آن بایستی تحت نظارت مستمر محتسب یا نمایندگان او قرار گیرد. همچنین براساس احکام اسلامی، عدالت در تجارت آن است که تاجر نبایستی کالای خود را برای جلب افراد ناآگاه بیاراید؛ هرچند، آراستن کالا در غیر مورد مزبور و به‌طور معمول و مطلوب اشکالی نخواهد داشت (Ibn ikhwah 2016; Toghiani & Moradi-basiri 2016). هنگام فروش کالا نیز دو طرف معامله بایستی چشم در چشم باشند. بر همین اساس است که در گذشته سطح تراز حجره‌ها بالاتر از گذر (راسته‌های اصلی و فرعی) بود و پیشه‌وران در جلوی حجره‌هایشان بر روی سکویی که نزدیک به یک متر از کف گذر ارتفاع داشت می‌نشستند (تراز شدن با ارتفاع قد عابری) و با نشان دادن کالاها به مشتری به دادوستد آن می‌پرداختند (Ghaderi 2021) (شکل ۴).



(C) پ



(B) ب



(A) الف

شکل ۴: نمونه‌هایی از بازارهای اسلامی با حجره‌ها و سکوهایی پیش روی آن در قرن ۱۹ میلادی (الف. بازار خان الخلیلی قاهره؛ ب. طرحی از بازار وکیل شیراز پ: بازار بزرگ استانبول)

Fig 4: Examples of Islamic Bazaars with chambers and platforms in front of them in the 19th century (A. Khan Al-Khalili Bazaar, Cairo; B. A plan of Vakil Bazaar, Shiraz; C. Istanbul Grand Bazaar)



شکل ۶: طرحی از میدان نقش جهان اصفهان و حضور دستفروشان در آن در دوره صفوی

Fig 6: Naqsh Jahan square of Isfahan and the presence of peddlers in it in the Safavid period



شکل ۵: طرحی از دستفروشان بازار تونس در اوایل قرن بیستم

Fig 5: Tunisian Bazaar peddlers in the early 20th century

۸-۳. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از واجبات در دین اسلام، عمل به امر به معروف و نهی از منکر است که در بازارهای اسلامی از صورت فردی خارج شده و به صورت اجتماعی تبلور می‌یابد و به تبع آن دو سازوکار با عنوان «حَسَبَت» و «اصناف»، در جهت کنترل، مدیریت و تأمین نیازهای بازار شکل می‌گیرند که در ادامه به تشریح هر یک از آن‌ها پرداخته شده است.

۸-۳-۱. حَسَبَت: «حَسَبَت» در اصطلاح اداری اسلامی، به معنای رسیدگی به کار بازار، خیابان، نظام خرید و فروش و جلوگیری از کلاهبرداری‌ها و تعلیمات کسبه و دیگر کارهایی نظیر آن است که در مقایسه با تشکیلات اداری دوران معاصر، بخش‌هایی از وظایف شهرداری، شهربانی و دادستانی را دربرمی‌گیرد و به‌منزله چهارچوب نهادی است که به پشتوانه قوانین، مسئولیت مدیریت، عملیاتی‌سازی، اجرا و استمرار اقدامات را در یک سیستم برعهده دارد. در گذشته حَسَبَت در گستره بازارهای اسلامی توسط فردی به نام «محتسب»، به انجام می‌رسید که انتخاب او و بقایش بر مسند، در گروهی انجام اصول و شروط اخلاقی (آراستگی ظاهر، کلام و عمل)، حفظ عدالت، پایبندی به اصول اعتقادی و دوری از گناه و معصیت و کنترل عملکرد مدیریتی و نظارت بر آن بوده است (Khatabakhsh 2017; Ibn ikhwah 2016). در واقع محتسب از سوی حکومت، در رأس نظام مدیریتی بازار قرار می‌گرفت و وظایف متعددی در گستره امر به معروف و نهی از منکر شامل ممانعت از انجام کارهای حرام (دوری از ابزارها، کارها و معاملات حرام و ناروا)، رعایت اخلاق، آداب و رسوم اسلامی (در برخورد با مسلمانان و قوانین اهل ذمه) و مدیریت و کنترل عملکرد و روابط درون بازار (در گستره شارع عمومی، اندازه و ابزار تجارت و مشاغل عام و خاص) برعهده داشت؛ که آن را در فراسوی رعایت مراتب «حَسَبَت»، با شناخت حدود، تعزیرات و سایر امور به انجام می‌رسانید^۹. محتسب روزانه به سرکشی و بازرسی مستمر بازار و امور مرتبط به آن می‌پرداخت و به‌رغم ارتباط بازارهای در شهرهای اسلامی با دارالحکومه، از مکان مشخصی نیز در بازار برخوردار بود؛ که غالباً جایگاه آن در جهت نزدیکی و نظارت بر کالاهای

گران‌قیمت و تأمین امنیت آن‌ها، در قیصریه‌ها در نظر گرفته می‌شد. همچنین به‌سبب مسئولیت‌های بسیاری که محتسب برعهده داشت و عدم امکان احاطه او بر همه امور و نیازهای مشاغل گوناگون، معمول بود که وی، اعوان و غلامانی (دستیاری) را به‌منظور تعقیب و پیگرد متخلفان برای خود برگزیند. این افراد زیر نظر او تعلیم می‌یافتند و غالباً از حقوق ثابتی برخوردار بودند و حتی گاهی پلیس (شرطه) نیز جزء دستیاران محتسب محسوب می‌گردید. از میان اعضاء هر حرفه در بازار «عَرِیفانی» انتخاب شده و در زمره دستیاران محتسب قرار می‌گرفتند. در واقع، «عَرِیف»، فردی بود آگاه و دانا بر اسرار آن حرفه که از معتمدان اهل بازار و از بزرگان صاحبان صنعت و مَتَّصِف به امانت و شرافت بود و محتسب را در تنظیم کیفیت کارها در رابطه با پیشه‌وران یاری می‌داد. از وظایف عَرِیف، نظارت بر کالاهای ورودی به بازار، کنترل و بازدید از ابزارهای اهل اصناف و حل اختلافات میان اعضاء صنف خود بود؛ همچنین هرگاه میان دو صنف اختلافی پیش می‌آمد، عَرِیفان آن دو صنف به حل و رفع آن می‌پرداختند (Ibn ikhwah 2016; Ghaderi 2021).

۸-۳-۲. اصناف: از دیگر نظام‌های سازماندهی داخلی بازارهای اسلامی و یکی از اصلی‌ترین منابع آن در گستره سرمایه‌های اجتماعی - اقتصادی، ساختار اصناف است (Pourjafar 2011). در این بازارها، تمام پیشه‌وران مشغول در یک نوع کسب و کار، از مکان دائم و مشخصی در بازار برخوردارند (راسته، رسته، سرا، تیمچه یا محله) و به‌نوبه خود نیز از انجمن‌های اسلامی و اتحادیه‌های تجاری ویژه‌ای تشکیل می‌یابند؛ که در ایران و کشورهای عربی بیشتر با عنوان «اصناف» شناخته می‌گردند. «صنف» در لغت، مجموعه‌ای از هر چیز است و هر نوع از اشیا صنفی جداگانه دارد. در جامعه اسلامی، مورخان از آغاز واژه صنف را در بیان گروه‌های شغلی و پیشه‌وری به‌کار گرفته‌اند. اصناف در بازارهای اسلامی اگرچه در ابتدا استمرار سنت‌های قدیمی بیزانسی و ساسانی پیش از خود بودند، لیکن به‌مرور زمان برپایه مفاهیم دینی و نیازها، ویژگی‌های نوینی را منعکس ساختند که پیش از آن سابقه نداشت. پژوهش‌ها نشان می‌دهند دین همیشه شرطی

سوی دیگر مکان‌یابی مناسب فعالیت‌ها را در جهت حمایت از مصرف‌کنندگان و کنترل رابطه میان فروشندگان و خریداران و جذب گردشگر در گستره‌هایی همانند مکان‌یابی کارگاه‌های هنرمندان در مبادین یا مجاورت آن در برمی‌گیرد. همچنین در جهت کنترل مهارت اعضاء تازه‌وارد به صنف و بررسی کیفیت محصولات در بازارها، تشکیلات منظمی از حرف، مبتنی بر میزان دانش و تجربه، از پایین‌ترین سطح آن یعنی کارآموز به درجات بالاتر شامل صنعتگر، خلیفه، استاد و شیخ ارتقاء وجود داشته است^{۱۱} (Al Sheikhly 1983).

پ. ضرورت نظارت حکومت به مشاغل و حرفه‌ها: استفاده از تمهیداتی همچون تنظیم تجارت، سازماندهی قیمت‌ها، تأمین امنیت (مکان‌یابی مناسب فعالیت‌ها، حضور شب‌گرد و دیگر مأموران حکومتی، استفاده از درو دریند و غیره) امکان تعامل و مذاکره بازرگانان با حکومت (مشارکت در کنترل نظم، سازماندهی، جمع‌آوری مالیات و تأمین پول موقوفات)، بن‌مایه این نگرش هستند.

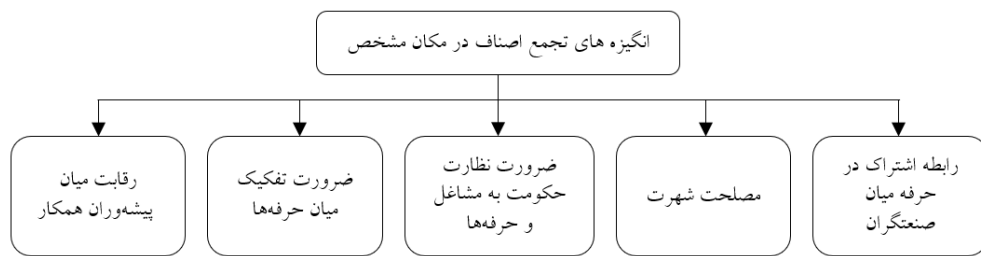
ت. ضرورت تفکیک میان حرفه‌ها: براساس این نوع نگرش، اصناف با تجمع در مکانی ویژه در مسیر سازگاری کسب و کارها و توجه به نیازهای محلات پیرامونی (عملکرد، ارزش کالا، کنترل آلودگی صوتی، نیازهای محلات پیرامون و غیره) گام برمی‌دارند.

ث. رقابت میان پیشه‌وران همکار: انگیزه حاضر، بر امکان آگاهی و نظارت بر نحوه تولید، کیفیت کالا و نظام دادوستد پیشه‌وران مقیم در مکان‌های ویژه، نسبت به یکدیگر استوار است.

براساس آنچه گفته شد می‌توان اذعان نمود در گذر زمان، اصالت معنایی و پایداری بازارهای اسلامی در شکل اصیل آن‌ها، به سبب تعامل مستقیم میان مقوله تجارت با مفاهیم علم و اخلاق، در مشی حیات این بازارها بوده است و به تبع آن، بازارهای اسلامی از ساختار مدیریتی جامعی در گستره‌هایی همچون وضع قوانین، اداره و نظارت بر فعالیت‌ها و فضاها و وابسته به آن (حسبت) و یا دیگر تشکیلات درونی بازار (اصناف) برخوردار بوده‌اند و به فراخور آن، ساختار کالبدی ویژه‌ای در گستره شهرهای اسلامی به منصف ظهور رسیده است (جدول ۱).

برای عضویت در اصناف نبوده است. به قسمی که بازرگانان و صنعتگران ادیان مختلف در یک صنف کار می‌کردند و سلسله‌مراتب اعضاء در یک صنف، همواره بر پایه تجربه بوده است و از میان ایشان نیز امین‌ترین و باتجربه‌ترین فرد به‌عنوان رئیس صنف برگزیده می‌شد و وظایف متعددی همچون نظارت و دسترسی به بخش‌های مختلف بازار، تنظیم کیفی و قیمت‌های رسمی، گشت و نظارت در بازار و کنترل عملکرد فروشندگان نسبت به مشتری، بهداشت، پاکیزگی، کنترل آلودگی صوتی و گردش حیوانات را برعهده داشت. شایسته توجه است اگرچه کلیه اعضاء در یک صنف، موظف به پیروی از قوانین صنفی بودند، لیکن این قوانین به‌اندازه کافی گشاده بود تا رقابت و خلاقیت در داخل صنف را تشویق نماید. وجود اصناف و تمایل به تجمع در مکان‌های معین میان گروه‌های شغلی و پیشه‌وری در بازارهای اسلامی به پنج انگیزه اصلی انجام می‌پذیرفت؛ که در ادامه به‌اختصار به معرفی آن پرداخته شده است (Gharipour 2017; Al Sheikhly 1983) (شکل ۷).

الف. رابطه اشتراک در حرفه میان صنعتگران: این انگیزه شامل اشتراک منافع حاصل از همکاری‌های گروهی و تنظیم و ترتیب امور شغلی است و از تمهیداتی همچون ایجاد صندوق حمایتی (وام) به اعضاء، شکل‌گیری محلاتی ویژه اصناف در بازارها، براساس منافع، علائق و خرده فرهنگ‌های مشترک، مشارکت در رویدادهای اجتماعی (جشن‌های ملی و دینی، رخدادهای سیاسی و غیره در مقیاس منطقه‌ای، ملی و فراملی است و از مکان‌هایی همچون حسینیه‌ها و تکیه‌ها بهره می‌گیرد. ب. مصلحت شهرت: این نگرش در جهت ترغیب اصناف به تولید و عرضه کالاها و صنایع دستی بومی باکیفیت و جذابیت تولیدات در بازار گام برمی‌دارد^{۱۲}؛ چراکه در غیر آن کیفیت محصولات تولیدی افول می‌نماید و زیان آن برای مشتری خواهد بود و در نتیجه تعامل میان بازار با مشتری با بی‌اعتمادی و عدم رغبت مواجه خواهد شد (Sanatkaar 2001). انعکاس این نگرش در بازارهای اسلامی از یک سو به شکل ظهور مشاغل تخصصی و فضاها و وابسته به آن همچون تیمچه‌ها، سراها، کارگاه‌ها و رسته‌های تخصصی در بازار است و از



شکل ۷: انگیزه‌های اصلی تمایل اصناف به تجمع در مکان‌های معین (Al Sheikhly 1983)

Fig 7: The main motivations of guilds to gather in certain places (Al Sheikhly 1983)

جدول ۱: احکام اسلامی در تجارت و تجسم مادی آن در بازارهای اسلامی

Table 1: Islamic rules in business and its physical appearance in Islamic bazaars

ردیف	احکام	پیامد عملکردی	نمود کالبدی (فیزیکی)
۱	کاسب «حیب‌الله» است.	رشد تجارت و خروج آن از انحصار طبقه اجتماعی خاص	- شکل‌گیری بازارها در مراکز شهری و غالباً در مجاورت مسجد جامع و گسترش آن تا دروازه‌های شهر - همجواری بازار با مراکز دولتی و میدان‌های اصلی شهر (به‌ویژه بخش قیصریه بازار)
		امکان تجارت برای زنان	- حضور در بازار عمومی و یا گاه شکل‌گیری بازار ویژه زنان
		امکان تجارت برای غیرمسلمانان	- شکل‌گیری حجره‌ها، سراها و گاه بازارهایی ویژه بازارگان داخلی و خارجی با مناهب گوناگون
۲	مقدم بودن فراگیری ققه (دشش) بر تجارت	کنترل سلامت معاملات و ممانعت از نزاع و اختلاف در امور اجتماعی	- شکل‌گیری حوزه علمیه، مساجد و مدرس در بازار - حضور مشاغل واجب و مستحب در بازار و مکثی‌ها فعالیت‌ها
		تظیم شیوه معاملات	- شکل‌گیری کارگاه‌های تولیدی و صنعتی در بازار - شکل‌گیری سراها و تیمچه‌ها ویژه یک کالای خاص و یا تجارت برای بازارگان از دیگر شهرها و کشورها
۳	ذکر خدا در بازار و تأکید بر نماز اول وقت	- تقویت معنویت و اخلاق‌مداری	- شکل‌گیری تزیینات با مضامین دینی (کیسه‌ها، نقاشی‌ها و غیره)
۴	شرکت در بریات و منع ربا	- شکل‌گیری مکثیزم وقف در بازار	- احداث بناهای مذهبی یا دیگر بناهای عام‌المنفعه (آب‌انبارها، سقاخانه‌ها، بیمارستان‌ها و غیره) و تأمین مخارج مرمت و نگهداری آن
۵	تجارت در زمان معین	- ایجاد ارتباط سالم بین بازاریان و تأمین امنیت توسط مأموران حکومتی	- ایجاد در درند برای گذرها و ابنیه ولیسته به بازار - ایجاد قناره‌خانه‌ها برای اعلام وقت و یا اطلاع‌رسانی
۶	رعایت عدل و انصاف در تجارت	- تجهیز فعالیت‌ها به ملزومات سنجش میزان کالا و کنترل مستمر آن‌ها توسط محاسب یا نمایندگان او	- ساخت ابزار سنجش مناسب
		- پرهیز از آراستن غیرمعمول کالا و مبادله چشم در چشم	- شکل‌گیری حجره‌ها با سکویی پیش روی آن در تراز بالاتر از گذر عمومی (تراز دید مشتری)
۷	تجارت موقت	- ساماندهی فعالیت‌های موقت دستفروشان و دوره‌گردان	- ارتباط و تعامل با میادین شهری
۸	حَسَبَت	ممانعت از انجام کارهای حرام	- ارتباط بازار با دارالحکومه
		مدیریت و کنترل رولط درون بازار	- ایجاد فضایی ویژه محاسب در قیصریه‌ها
		رعایت اخلاق، آداب و رسوم اسلامی	- شکل‌گیری برخی ابنیه نظیر حمام‌ها
	اصناف	ایجاد صندوق حمایتی	-
		خرده فرهنگ‌های مشترک	- شکل‌گیری محلات ویژه بر صف در حریم بازار
		مشارکت اجتماعی	- شکل‌گیری فضاهای اجتماع نظیر حسینیه‌ها و تکیه‌ها
		تکیه بر تولیدات و صنایع‌دستی بومی	- شکل‌گیری عملکردهای تولیدی (دالان یا بند، قیصریه، کارگاه و حجره‌ها)

ردیف	احکام	پیامد عملکردی	نمود کالبدی (فیزیکی)
		کنترل مهارت اعضا و ایجاد تشکیلات منظم در میان اصناف برای مهارت در کسب و کار	- ولیسته به آموزش‌های دینی - اخلاقی در مدرس آموزش‌های عملی در حجره‌ها و کارگاه‌ها
		رونق تولید و بهبود کیفیت کالا	- شکل‌گیری مشاغل، تیمچه‌ها، سراها، کارگاه‌های تولیدی ورسته‌های تخصصی در بازار
		- جذبیت تولیدات	- مکتلیبی کارگاه‌های هنرمندان در میدین یا مجاورت آن
		تنظیم تجارت و سازماندهی قیمت‌ها	- عرضه رقبتی کالا و کنترل قیمت به دلیل وجود کلربری‌های مشبله در یک راسته
		تأمین امنیت	- مکتلیبی فعالیت‌ها (قرارگیری کالاهای گران بپه در نزدیکی مسجد جامع، کنترل مشاغل و غیره). - استفاده از در و دزیند
		تعامل و مذاکره بازرگانان با حکومت	- نزدیکی درالحکومه با بازار
		سازگاری کسب و کارها و توجه به نیازهای محلات پیرامونی	- مکتلیبی مناسب فعالیت‌ها بر مبنای عملکرد ارزش کالا، کنترل آلودگی صوتی، نیازهای محلات پیرامون و غیره
		آگاهی و نظارت بر نحوه تولید، کیفیت کالا و دادوستد	-

نتیجه‌گیری

نمایند و به فراخور هر بخش از نیازهای عملکردی بازار، کالبد متناظر با آن، در مکان مناسب پدید آمده و یا تکامل می‌یابد و فراسوی آن پیوندی نمادین و فضایی میان بازار به‌عنوان عنصری با ثبات و تبلور امر تجارت در شهرهای اسلامی با دیگر اجزای شکل‌دهنده این شهرها شکل گرفته است که برخی از آن عبارت‌اند از بخش‌های مذهبی و فرهنگی (مساجد، مدارس، حوزه‌های علمیه، حسینیه‌ها و تکایا)، حکومتی (دارالحکومه)، تجاری و تولیدی (سراها، تیمچه‌ها، حجره‌ها، دالان‌ها، بندها، راسته‌های اصلی و فرعی، کارگاه‌ها و غیره)، خدماتی (گرمابه‌ها، آب‌انبارها) ارتباطی (میدان‌ها، چهارسوها) و مسکونی (محلات پیرامون بازار). از سوی دیگر بازارهای اسلامی در جهت انجام امور و کنترل عملکرد خود، از نظام مدیریتی جمعی همچون «حَسَبَت» و «اصناف» برخوردار بوده‌اند و به‌منظور حفاظت از بازار و بقاء عملکردی و کالبدی آن نیز از سازوکار «وقف» بهره‌گرفته‌اند و در ورای پایبندی به آن، ارتباط و گاه اتحادی نیرومند با عوامل قدرت برقرار نموده و پویایی و نظم آن‌ها بازتابی از اقتدار هر حکومت و رونق اقتصادی و امنیت هر جامعه است (بند ۳ از جدول ۱). شایسته توجه

تمدن اسلامی اگرچه در امتداد امپراتوری‌های پیش از اسلام، با اقتصادی مبتنی بر تجارت و کشاورزی شکل گرفته است، لیکن به‌مرور زمان آنچه نیازمندی‌های جامعه اسلامی بود به آن افزوده شد و ماهیتی مختص به خود یافت و بازتاب احکام و اندیشه‌های آن در عرصه‌های گوناگون زندگی جوامع اسلامی، به‌ویژه در گستره نظام‌های عملکردی و کالبدی شهرهای اسلامی قابل‌بازشناسی است. در اندیشه اسلامی تجارت به شرط پایبندی به احکام و مفاهیم دینی مورد تکریم قرار گرفته است و به‌واسطه خروج از انحصار به طبقه اجتماعی خاص و عمومیت یافتن آن با هر دین و جنسیتی توسعه می‌یابد. در این‌گذار بازارهای اسلامی نیز با پایبندی به اصولی همچون الزام به فراگیری فقه، در جهت کسب دانش و تخصص در پرداخت و تنظیم شیوه معاملات، رونق تولید و بهبود کیفیت کالا، تقویت معنویت، اخلاق‌مداری، ایجاد ارتباط سالم بین بازاریان و تأمین امنیت و ساماندهی فعالیت‌ها، توانسته‌اند افزون بر برخورداری از عملکرد اقتصادی، امکان انجام طیف گوناگونی از فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی، خدماتی و گردشگری را در خود فراهم

بشری در زمان حاضر بهره گرفت. پژوهش حاضر تلاش نمود از طریق واکاوی احکام و مفاهیم تجارت اسلامی، به بررسی اصول نهفته در نظام‌های گوناگون عملکردی بازارهای اسلامی و تجسم مادی، کالبد مأخوذ از آن بپردازد. فرآیند حاضر می‌تواند در جهت واکاوی تأثیر احکام و اندیشه‌های دینی در دیگر گستره‌های کالبدی شهرهای اسلامی، با عملکردهای گوناگون مسکونی، مذهبی، آموزشی و غیره نیز مورد استفاده قرار گیرد و در ورای آن بتوان، به ارائه الگوهایی همخوان با جهان‌بینی و نیازهای نوین جوامع اسلامی، با نیل به مفهوم توسعه پایدار و بهبود کیفیت ابنیه میان‌افزا وابسته به بافت‌های تاریخی آن دست یافت.

است نظام‌های یاد شده در بسیاری از سطوح از توان برقراری تعامل با دستورالعمل‌های نوین مدیریت میراث - جهانی و عناصر سه‌گانه سیستم مدیریتی آن (چهارچوب حقوقی، چهارچوب نهادی و منابع) برخوردارند. به قسمی که چهارچوب حقوقی در بازارها به شکل احکام شرعی (گونه تجارت، علم و آداب اخلاقی) در بازارها انعکاس می‌یابد و به تبع آن، چهارچوب نهادی بازارها دربرگیرنده سازوکارهای مدیریتی و نظارت درون بازار (حسب و نظام وابسته به آن) است و در نهایت عنصر منابع دربرگیرنده سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی بازار (اصناف) خواهند بود و می‌توان از آن‌ها در مسیر حفظ ارزش‌های کهن ملموس و ناملموس و حفاظت پویا از این قسم از دارایی‌ها و میراث

پی‌نوشت‌ها

۱. «حفاظت پویا» از جمله رویکردهای نوین در رویارویی با مسئله شهرهای تاریخی است که به منظور نیل به اهداف توسعه پایدار و حفظ منابع موجود (دارایی‌های ملموس و ناملموس)، قابل زیست نمودن و سامان‌مندسازی محیط و ارتقای کیفیت زندگی و منزلت فرهنگی اجتماعی آن، موضوعیت می‌یابد (UNESCO 2011).
۲. در همه سیستم‌های مدیریت میراث جهانی ویژگی‌های مشترکی وجود دارد که دربرگیرنده سه عنصر چهارچوب حقوقی، چهارچوب نهادی و منابع است (Khatabakhsh 2017; UNESCO 2013).
۳. امام علی (ع) می‌فرماید: «ای تاجران! نخست فقه (آموختن احکام تجارت) سپس تجارت، نخست فقه سپس تجارت، به خدا سوگند! یقین داشته باشید که ربا در این امت از راه رفتن مورچه بر روی سنگ صیقلی و برآق پنهان‌تر و نامرئی‌تر است» (Ameli 1990). امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «کسی که اراده تجارت کند، باید در دین خود تفته بنماید تا به واسطه آن حلال و حرام را که برایش مقرر شده از هم تمیز دهد» (Iravani 2009).
۴. در برخی بازارها نظیر بازار تبریز، بازار دنبه‌فروشی‌ها وجود دارد؛ لیکن در بازارهای کهن قصابی نادر است (Ghaderi 2021).
۵. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «ای جماعت تجار! همانا بازرگانان در روز رستاخیز فاجر برانگیخته می‌شوند، مگر کسانی که از خدا پروا کنند و نیکی نمایند و راست بگویند» (Mohammadi Ray-shahri 1998).
۶. در قرآن کریم آمده است: «ای اهل ایمان بسیاری از علما و راهبان اموال مردم را به باطل طعمه‌ی خود کرده‌اند و از راه خدا بازمی‌دارند و کسانی که طلا و نقره را گنجینه و انباشته می‌کنند و آن‌ها را در راه خدا انفاق نمی‌کنند آنان را به عذاب دردناک بشارت بده» (Quran, Tubeh 34).
۷. امام صادق (ع) می‌فرماید: «اگر ربا حلال بود، مردم کار تجارت و کسب مایحتاج خود را رها می‌کردند» (Hor Ameli 1991).
۸. امام علی (ع) می‌فرماید: «بازار مسلمین همانند مسجدشان است. پس هرکس مکانی را گرفت، او نسبت به دیگران سزاوارتر است. تا هنگام شب و کسی حق گرفتن کرایه از او را ندارد» (Sanatkaar 2001).
۹. مراتب حسب در اسلام عبارت‌اند از: نخست نهی، دوم وعظ و سوم منع و بیم دادن و عقوبت در برابر خطای گذشته و منع درباره عمل حاضر است و مردم جز منع که از میان بردن کار نارواست وظیفه‌ای ندارند و عقوبت و بیم دادن (زجر) وظیفه کارداران است (Ibn ikhwah 2016).
۱۰. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «در صناعات از کارشناسان آن یاری جویند» (Al Sheikhly 1983).
۱۱. در برخی از منابع از مرتبه‌ای با عنوان «نقیب»، به عنوان دستیار شیخ و یا یک مرتبه از او بالاتر یاد شده است (Al Sheikhly 1983).

فهرست منابع

- ابن اخوه (قرشی)، محمد بن احمد. *آیین شهرداری در قرن هفتم هجری*. مترجم: جعفر شعار، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۵.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. *تاریخ ابن خلدون*. ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸.
- ابی زاده، الهام. *بررسی عوامل مؤثر بر حس مکان بازار تاریخی تبریز در راستای حفاظت معنایی و ارزشی میراث معماری*. تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز، دانشکده معماری، ۱۳۹۷.
- ایروانی، جواد. *اخلاق تجارت*. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۸.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*. تهران: نوبهار، ۱۳۵۷.
- باندردین، فرانچسکو، و رون ون اوئرز. *منظر شهری تاریخی؛ مدیریت میراث در قرن شهری*. مترجم: پویا دولابی، پرستو عشرتی و سمیه فدائی نژاد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۸.
- پورجعفر، محمدرضا، و علی پورجعفر. «نقش سرمایه اجتماعی در وضعیت اقتصادی بازارهای سنتی در ایران». *مدیریت شهری و روستایی* (ویژه‌نامه)، (۱۳۹۰): ۲۲۲-۲۰۳.
- حبیبی، محسن. *از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر)*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۹.
- حر عاملی، محمد. *وسائل الشیعه (جلد ۱۲)*. قم: موسسه آل البیت (ع)، ۱۳۷۰.
- خطابخش، فریبا. *تدوین برنامه مدیریت یکپارچه در محوطه میراث جهانی نقش جهان با رویکرد حفاظتی*. پایان‌نامه دکتری. اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده حفاظت و مرمت، گروه مرمت اشیاء تاریخی و فرهنگی، ۱۳۹۶.
- رجایی، محمدکاظم. «ویژگی‌های بازار اسلامی در نظریه و عمل». *نشریه معرفت اقتصاد اسلامی* ۳، (۱۳۸۹): ۹۳ - ۱۱۸.
- رضوی، ابوالفضل. *شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانیان*. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸.
- رفیعی سرشکی، بیژن، ندا رفیع زاده، و علی محمد رنجبر کرمانی. *فرهنگ مهرازی (معماری) ایران*. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، ۱۳۸۲.
- زینی، صادق. *درسنامه احکام بازار: احکام شرعی در کسب و کار و تجارت*. قم: انتشارات زینی، ۱۳۹۴.
- ساکي، فرشته، و محسن جاوری. «نقش وقف در فرم‌دهی بافت شهری و حفظ و بقای آثار تاریخی، مطالعه موردی مجموعه علیقلی آقا در اصفهان». *فصلنامه علمی مطالعات باستان‌شناسی پارسه* ۱۳، ۴ (۱۳۹۹): ۱۱۹-۱۳۶.
- سلطان‌زاده، حسین. *فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۹۲.
- شفقی، سیروس. *بازار بزرگ اصفهان*. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل، ۱۳۸۵.
- الشیخلی، صباح ابراهیم سعید. *اصناف در عصر عباسی*. مترجم: هادی عالم‌زاده، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- صنعتکار، حسن. *اخلاق در بازار به ضمیمه فتاوی حضرت امام خمینی (قدسی سره) در آداب کسب و تجارت*. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.
- طغیانی، مهدی، و امین مرادی باصیری. *احکام کسب و کار در اسلام*. اصفهان: نشر طلایی، ۱۳۹۴.
- عاملی، جعفر مرتضی. *بازار در سایه حکومت اسلامی*. مترجم: محمد حسینی، قم: موسسه انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹.
- عباسی، بشری. *معماری پایدار اخلاق‌مدار اسلامی در بازار ایرانی (بازار بزرگ تهران)*. پایان‌نامه دکتری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، گروه معماری، ۱۳۹۷.
- فیلدن، برنارد م، و یوکا یوکلهتو. *مدیریت در محوطه‌های میراث جهانی*. مترجم: پیروز حناچی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.
- قاری‌پور، محمد. *بازار در شهر اسلامی؛ طراحی، فرهنگ و تاریخ*. مترجم: خیزران اسماعیل‌زاده، اصفهان: نقش مانا، ۱۳۹۶.
- قدیری، بهرام. *زیرساخت‌های نامحسوس در بازارهای ایران*. برگزارکننده: دانشگاه آزاد نطنز، ۱۴۰۰.
- قرآن کریم (خط عثمان طه). مترجم: ناصر مکارم شیرازی. تهران: سازمان دارالقرآن کریم، نشر تلاوت، ۱۳۹۶.
- قلی‌پور، حسن. «آداب و اقسام تجارت از منظر حقوق اسلام». *نشریه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی* ۳، (۱۳۸۵): ۴۱ - ۵۶.

کجیاف، علی اکبر. *اصفهان در دوره سلجوقیان*. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، ۱۳۹۴.

کوشک آباد، مهین. *تجارت از دیدگاه اسلام*. درگاه الکترونیک: www.pajoohe.ir. قم: پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، ۱۳۹۵.

کیوانی، مهدی. *پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عصر صفویان*. مترجم: یزدان فرخی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۲.

محمدزاده، رحمت، و ناهیده رضائی. «تحلیلی بر تأثیر فعالیت‌های اقتصادی معاصر بر سازمان فضایی بازار بزرگ تبریز». *معماری و شهرسازی ایران (JIAU)* ۱۳، ۱ (۱۴۰۱): ۱۴۳-۱۶۳. doi: 10.30475/isau.2021.230419.1411

محمدی ری شهری، محمد. *میزان الحکمه*. مترجم: حمیدرضا شیخی، قم: موسسه انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷.

وحدت پور، شعله، و نیما ولی بیگ. «بازیابی معماری یادمانی ازدست‌رفته سردر باغ زرشک اصفهان برپایه اسناد توصیفی و تصویری». *منظر* ۱۵، ۶۳ (۱۴۰۲): ۲۵-۶. doi: 10.22034/manzar.2023.390458.2233

وحدت پور، شعله، نیما ولی بیگ، و افروز رحیمی آریایی. «مطالعه مقایسه‌ای کاروانسراهای درون شهری و برون شهری اصفهان در گستره کالبد معماری». *هویت شهر* ۱۳، ۳ (۱۳۹۸): ۱۰۳-۱۱۶.

منابع انگلیسی

- Abbasi, Boshra. *Islamic Ethical Sustainable Architecture in Iranian Bazaar (Grand Bazaar of Tehran)*. Architecture Department of Architecture Faculty of Art and Architecture Tarbiat Modares University, 2018. [In Persian].
- Abizadeh, Elnaz. *Investigating the Factors affecting the sense of place in Tabriz Historic Bazaar for semantic and value conservation of architectural heritage*. Faculty of Architecture & Urbanism. Tabriz Islamic Art University, 2019. [In Persian].
- Al Sheikhly, Sabah Ebrahim Saeed. *Guilds in the Abbasid era (Al-Asnaf wa al-Mihan fi 'Asr al-'Abbasi, nash'at-ha wa tatawwur-ha)*. Trans: Hadi Alamzadeh. Tehran: Academic Publishing Center, 1983. [In Persian].
- Ameli, Jafar Morteza. *The Bazaar in the shadow of the Islamic government*. Trans: Mohammad Hosseini. Qom: Islamic Publishing Institute, 1990. [In Persian].
- Banderian, Ferancesco, and Oers Ron van. *The Historic Urban Landscape (Managing Heritage in an Urban Century)*. Trans: Pouya Doulabi; Prastoo Eshrati and Somayeh Fadaei nezhad. Tehran: University of Tehran Press, 2019. [In Persian].
- Bastani Parisi, Mohammad Ibrahim. *Politics and economy of the Safavid era*. Tehran: Nobahar, 1978. [In Persian].
- Dabbour, L. M. "Morphology of quarters in traditional Arab Islamic city: A case of the traditional city of Damascus". *Frontiers of Architectural Research* 10, no.1 (2021): 50-65.
- Filden, Bernard, and Jukka jokilehto. *Management Guidelines for World Cultural Heritage Site*. Trans: Pirouz Hanachi. Tehran: University of Tehran Press, 2014. [In Persian].
- Ghaderi, Bahram. *Subtle infrastructure in Iranian bazaars*. Organizer: Natanz Azad University, 2021. [In Persian].
- Gharipour, Mohammad. *The bazaar in the Islamic City: Design, Culture and History*. Trans: Khayzran Esmailzadeh. Esfahan. *Naghsh-e Mana's role*, 2017. [In Persian].
- Gholipour, Hassan. "Trade customs from the perspective of Islamic law". *Journal of Islamic Jurisprudence and Law Research* 3 (2006): 41-56. [In Persian].
- Gui chard, P. "Sok in the Muslim West. In *The Encyclopedia of Islam*". Edited by C.E. Bosworth, E., Vandonzel, W.P. heinrich, and G. Lecomte. Vol 4, 78991, Leiden Brill, 1997.
- Habibi, Mohsen. *The flux of the city: a historical analysis of the city and its physical landscape of thought and sorrow*. Tehran: Tehran University Press, 2020. [In Persian].
- Harris, Cyril M. "Dictionary of Architecture and Construction". McGraw-Hill, 2006.
- Hor Ameli, Mohammad. *Wasa'il al-Shia (Volume 12)*. Qom: Ale al-Bayt Institute (AS), 1991. [In Arabic].
- Ibn Akhwah (Ghureshi), Muhammad Ibn Ahmad. *The Ma'Alim Al-Qurba Fi Ahkam Al-Hisba*. Trans: Jafar Shaar. Tehran. Scientific and cultural publishing company, 2016. [In Persian].
- Ibn Khaldun, Abdul Rahman. *History of Ibn Khaldun (Volume 1)*. Trans: Abdul Mohammad Ayati. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research, 1989. [In Persian].
- Iravani, Javad. *Business ethics*. Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences, 2009. [In Persian].
- Kajbaf, Ali Akbar. *Isfahan in the Seljuk period*. Isfahan: Municipal Cultural and Recreational Organization, 2015. [In Persian].
- Keyvani, Mehdi. *Craftsmen and their trade life in the Safavid era*. Trans: Yazdan Farrokhi. Tehran: Amir Kabir, 2013. [In Persian].
- Khatabakhsh, Fariba. *Developing an Integrated Management Plan at Naghshe Jahan Square World Heritage Site with a Protection Approach*. Art University of Isfahan, Faculty of Conservation and Restoration Department of Restoration of historical and cultural artifacts (Ph.D Thesis), 2017. [In Persian].
- Koshk-abad, Mahin. *Business from the perspective of Islam*. Electronic portal: www.pajoohe.ir. Qom: Bagheral Uloom Research Institute (AS), 2016. [In Persian].
- Mohammadi Ray-shahri, Mohammad. *Mizan Al-hakameh*. Trans: Hamidreza Sheikhhi. Qom: Islamic Publishing Institute,

1998. [In Persian].
- Mohammadzadeh, Rahmat, and Nahideh Rezaei. "Analysis of the impact of contemporary economic activities on Tabriz Grand Bazaar spatial organization". *Journal of Iranian Architecture & Urbanism (JIAU)* 13, no. 1 (2022):143-163. [In Persian].
- Moradi Mohammad, Asghar, and Fatemeh Nassabi. "Bazaar of Tabriz; a sustainable architecture and urban area in Iran". *Housing and Sustainable Urbanisation in Developing Countries*, Rotterdam. 2007. [In Persian].
- Nejad Ebrahimi, Ahad, Farzad Pour Rahimian, and Mehrdad Sahraei Loron. "Impacts of urban passages on formation of Iranian bazaars: case study of the historic bazaar of Tabriz". *International Journal of Architectural Research (Archnet IJAR)* 7, no. 2 (2013): 61-75.
- PourJafar, Mohammad Reza, and Ali PourJafar. "The role of the social capital in the economic situation of the traditional markets in Iran". *Urban Management Journal, Spring/Summer Special Issue* (2011): 203-222. [In Persian].
- Quran. Calligrapher: Usman Taha. Trans: Nasser Makarem Shirazi. Tehran: Dar al-Quran Karim Organization, Recitation Publishin, 2008. [In Persian].
- Rafiei Sereshki, Bijan, Neda Rafizadeh, and Ali Mohammad Ranjbarkarmani. *Description dictionary of Persian architecture*. Tehran: Building and Housing Research Center, 2002. [In Persian].
- Rajaei, Mohammad Kazem. "Features of Islamic Bazaar in theory and practice". *Marafet Islamic Economy Journal* 3 (2010): 93-118. [In Persian].
- Razavi, Abulfazl. "City, politics and economy during Ilkhanian period". Tehran: Amir Kabir, 2009. [In Persian].
- Saki, Fereshteh, and Mohsen Javari. "The role of endowment in shaping the urban fabric and preservation and survival of historical monuments, a case study of Aliqli Agha Collection in Isfahan". *Scientific Quarterly Journal of Parse Archaeological Studies* 13, no. 4 (2020): 119-136. [In Persian].
- Sanatkaar, Hassan. *Moral in bazaar: Enclosed: Imam Khomeyni legal opinions*. Qom: Islamic Propaganda Office Publishing Center, 2001. [In Persian].
- Shafaghi, Cyrus. *A Brief Glance at the Bazaar in Esfahan*. Isfahan: Municipal Cultural and Recreational Organization, Isfahan Center for Studies and House of Nations, 2006. [In Persian].
- Soltanzadeh, Hossein. *Urban spaces in the historical context of Iran*. Tehran: Cultural Research Bureau, 2013. [In Persian].
- Thomas, Lee, and Julie Middleton. "Guidelines for management planning of protected areas". Vol. 10. Gland, Switzerland: Iucn, 2003.
- Toghyani, Mehdi and Amin Moradi-Basiri. *Business rules in Islam*. Isfahan: Golden. [In Persian].
- UNESCO, W. "Recommendation on the historic urban landscape". In *Proceedings of the Records of the General Conference 36th Session, 2011 (November)*.
- UNESCO, W. "Managing Cultural World Heritage". (16/11/2013) UNESCO World Heritage Centre, 2013.
- Vahdatpour, Shoeleh, and Nima Valibeig. "Retrieving the Lost Monumental Architecture at the Entrance of Isfahan Bāgh-e Zereshk, Based on Descriptive and Illustrative Documents". *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape* 15, no. 63 (2023): 6-25. Doi: 10.22034/manzar.2023.390458.2233.
- Vahdatpour, Shoeleh, Nima Valibeig, and Afrooz Rahimi Ariaei. "A Comparative and contrast Study of Intra-Urban and Suburban Caravansaries in Isfahan (Iran) within the field of architectural form". *Hoviats hahr* 13, no. 3 (2019): 103-116. [In Persian].
- Zeyani, Sadigh. *Textbook of bazaar rules: Eastern rules in business and commerce*. Qom: Zeyani Publications, 2015. [In Persian].